مرزهای زمینی برای زائران اربعین بسته است به شایعات مجازی توجه نکنید

معاون اجتماعی و سخنگوی ناجا گفت که مرزهای چهارگانه زمینی برای زائران اربعین بسته است و مردم فریب شایعات، اخبار و تصاویر منتشره در فضای مجازی را نخورند.

به گزارش جوان، سردار مهدی حاجیان توضیح داد: براساس مصوبه ابلاغی ستاد مرکزی اربعین، مرزهای چهارگانه زمینی با عراق بسته است و به زائران ایرانی اجازه سفر به عراق از این مرزها داده نخواهد شد. وی با اشاره به برخی شایعات منتشره در فضای مجازی گفت: مردم فریب شایعات، اخبار و تصاویر منتشره در فضای مجازی را نخورند سردار حاجیان با اشاره به نحوه سفر زائران به عراق در شرایط کنونی گفت که براساس توافق نهادهای ذی‌ربط با دولت عراق، زائران از طریق مرزهای هوایی و مشروط به تزریق واکسن کرونا می‌توانند برای شرکت در مراسم اربعین به آن کشور سفر کرده و لازم است ۷۲ساعت قبل از سفر نیز تست PCR منفی داشته باشند.

معاون اجتماعی ناجا با اشاره به قوانین سخت دولت عراق در خصوص اتباع غیرمجاز گفت: دولت عراق افرادی را که به صورت غیرمجاز و بدون داشتن مدارک قانونی به آن کشور مسافرت کنند مجرم شناخته و برابر قوانین قضایی خود رفتار می‌کند. وی تأکید کرد که پلیس در هیچ یک از مرزهای کشور خدمات گذرنامه‌ای به زوار ایرانی اربعین ارائه نمی‌دهد و افرادی که به این مرزها مراجعه می‌کنند، راهی جز بازگشت به شهرهای خود نخواهند داشت.

قتل فرجام دعوای ۲ مرد شرور

درگیری دو نفر از اوباش محله مهرآباد جنوبی با قتل یکی از آنها پایان یافت.

به گزارش جوان، بامداد صبح روز جمعه ۲۶شهریورماه قاضی زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری۱۱۹ مهرآبادجنوبی از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد مردی به نام فریبرز روی تخت بیمارستان روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده‌بود. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد فریبرز چند ساعت قبل در درگیری با مرد دیگری به نام ایرج زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است که در نهایت بر اثر شدت خونریزی روی تخت بیمارستان فوت می‌کند. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند فریبرز و ایرج هر دو از اوباش و خلافکاران محله مهرآباد جنوبی هستند که از مدتی قبل با هم اختلاف پیدا می‌کنند. همچنین مشخص شد قاتل و مقتول مدت‌هاست که برای هم کری‌خوانی می‌کردند و شب حادثه هم وقتی با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند ابتدا با هم کل کل و مشاجره لفظی می‌کنند، اما در ادامه وقتی درگیری آنها بالا می‌گیرد روی هم چاقو می‌کشند که در جریان آن فریبرز با ضربه چاقو زخمی و به قتل می‌رسد. یکی از شاهدان حادثه به مأموران گفت: فریبرز و ایرج هر دو خلافکار و از اوباش محله هستند که هر چند وقت یکبار برای هم شاخ و شانه می‌کشیدند. کری‌خوانی آنها همیشه به گوش ما می‌رسید و نوچه‌هایشان هم خبر داشتند که آنها با هم اختلاف دارند. آنها در نهایت با هم درگیر شدند که ایرج با چاقو فریبرز را زد و از محل گریخت. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی در تلاشند که قاتل فراری را دستگیر و راز این حادثه را برملا کنند.

یک ماه زندگی با جسد سیمانی شوهر!

تحقیقات پلیس پایتخت درباره علت مرگ مردی که جسد محصور در سیمان او در خانه‌اش کشف شده جریان دارد. همسر وی که یکماه با جسد زندگی کرده قبل از پایان دادن به زندگی‌اش به بیمارستان منتقل شده و تحت درمان قرار دارد.

به گزارش جوان، ساعت۱۸ عصر روز جمعه ۲۶شهریور ساکنان یکی از محله‌های مولوی با فریادهای زن جوانی که مدام فریاد می‌زد، «من خودکشی کرده‌ام» از خانه‌هایشان بیرون آمدند. در حالی که زن جوان فریاد می‌زد «کمکم کنید تا نمیرم»، شاهدان موضوع را به مأموران پلیس و اورژانس خبر دادند. دقایقی بعد تیمی از مأموران کلانتری مولوی همراه عوامل اورژانس در محل حاضر شده و زن جوان را که مدعی بود برای پایان دادن به زندگی‌اش مایع لوله بازکن خورده است به بیمارستان منتقل کردند. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه ساکنان ساختمانی که زن جوان در آنجا زندگی می‌کرد به مأموران پلیس خبر دادند چند روزی است از داخل خانه زن جوان بوی بدی به مشام می‌رسد. بدین ترتیب مأموران پلیس به موضوع مشکوک شدند و به دستور قاضی رحیم‌دشتبان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی موضوع وارد خانه زن جوان شدند.

مأموران پلیس در گوشه‌ای از اتاق خواب با جسد مردی حدوداً ۳۸ساله روبه‌رو شدند که جسدش داخلی ملافه سفید رنگی پیچیده شده و روی آن مقداری بتن سیمان ریخته شده‌بود. بدین ترتیب با اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند.

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مدت زیادی از مرگ مرد جوان گذشته‌است و به همین خاطر بوی تعفن آن تمام ساختمان را فرا گرفته است و همسرش نیز برای اینکه بوی بد به خانه‌های همسایه نرسد، روی آن بتن ریخته اما باز هم بوی نامطبوع در ساختمان پیچیده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ تیم جنایی به سراغ زن جوان در بیمارستان رفتند و درباره حادثه از وی تحقیق کردند.

■ یک ماه زندگی با جسد

وی در ادعایی گفت: من و شوهرم زندگی خوبی داشتیم و با هم خوش بودیم تا اینکه حدود یکماه قبل شوهرم ناگهان فوت کرد. شب حادثه شوهرم حالش خوب بود، اما سکته و فوت کرد که ترسیدم موضوع را به بستگانم اطلاع دهم چون احتمال دادم آنها فکر کنند من در مرگ شوهرم دست داشته‌ام. از سوی دیگر شوهرم را خیلی دوست داشتم که تصمیم گرفتم با جسدش زندگی کنم. چند روزی با جسدشوهرم زندگی کردم اما کم کم جسدش بو گرفت به طوری که همسایه‌ها به در خانه‌ام آمدند و گفتند بوی بدی از خانه‌ام بیرون می‌آید که به دروغ گفتم یخچالم خراب شده است و مواد غذایی‌ام فاسد شده‌اند و بوی بد مربوط به آن است.

پس از این برای اینکه جلوی بوی بد را بگیرم مقداری سیمان خریدم و بتن درست کردم و روی جسد شوهرم ریختم تا بوی بد آن از خانه بیرون نرود. مدتی گذشت تا اینکه کم کم افسرده شدم و تصمیم گرفتم خودکشی کنم که مقداری مایع لوله باز کن خوردم تا به زندگی‌ام پایان دهم، اما دقایقی بعد از اینکه خوردم پشیمان شدم و از خانه بیرون آمدم و درخواست کمک کردم. در حالی که زن جوان تحت درمان قرار دارد مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای روشن شدن زوایا و اسرار پنهان این حادثه آغاز کردند.

حمید صفت: تسلیم رأی دادگاهم

حمید صفت خواننده زیرزمینی که به اتهام قتل پدرخوانده‌اش در زندان به سر می‌برد در چهارمین جلسه محاکمه‌اش اتهام قتل عمد را انکار کرد و گفت تسلیم رأی دادگاه است.

به گزارش «جوان»، جلسه رسیدگی به پرونده صبح دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی رحمانی برگزار شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و در قرائت کیفرخواست گفت: «متهم خواننده زیرزمینی به نام حمیدرضا امیرصفت معروف به حمید صفت است. او در ۲۴مرداد سال ۹۶، به اتهام قتل ناپدری ۶۶ساله‌اش به نام هوشنگ دستگیر شد. مادر حمید همسر دوم مقتول بود و به خاطر اختلاف با شوهرش قصد جدایی داشت.»

وی در ادامه گفت: «با اعلام خبر فوت هوشنگ از سوی کادر درمان بیمارستان فیروزگر مأموران کلانتری۱۴۵ ونک در محل حاضر شده و در تحقیق از دوست مقتول که در بیمارستان حاضر بود، دریافتند وی پس از درگیری با حمید، پسر همسرش به بیمارستان منتقل اما بر اثر خونریزی مغزی فوت می‌کند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی حمید به عنوان مظنون به قتل بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد و گفت قتل عمدی نبوده‌است. او در توضیح گفت: «روز قبل از حادثه برادرم که مقیم امریکاست تماس گرفت و گفت با مادرم تلفنی صحبت کرده ولی حال مادرم خوب نبوده و از شوهرش گلایه داشته‌است. برادرم نگران بود به همین خاطر از من خواست تا به خانه آنها بروم. وقتی به خانه مادرم رفتم متوجه شدم هوشنگ بار دیگر مادرم را کتک زده است. او شب قبل نیز مادرم را مقابل چشمان مهمان‌های آلمانی‌اش کتک زده بود. همین باعث ناراحتی‌ام شد و با هوشنگ درگیر شدم. وقتی درگیری بالا گرفت او به آشپزخانه رفت و قصد داشت با چاقو به من حمله کند. برای اینکه او را بترسانم گلدانی را برداشتم و به دیوار کوبیدم. سپس با دستم چند ضربه به سرش زد. باور کنید قصد کشتن او را نداشتم.»

بعد از اظهارات متهم و گزارش پزشکی قانونی مبنی بر اینکه علت فوت خونریزی و آسیب مغزی بر اثر اصابت جسم سخت اعلام شده بود، وی راهی زندان رجایی‌شهر شد، اما با اعتراض وکیلش با قرار وثیقه ۶۰۰میلیون تومانی آزاد شد. با اعتراض اولیای‌دم پرونده به هیئت ۹نفره پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه کارشناسان اعلام کردند عمل متهم به نوعی کشنده نبوده و بیماری مقتول نیز در مرگ او نقش داشته است. با این نظریه پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد، اما با اعتراض دوباره اولیای‌دم پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادسرای امور جنایی منتقل شد و به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی به هیئت ۱۱نفره پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه کارشناسان نقش بیماری مقتول در قتل را تأیید کردند. به این ترتیب کیفرخواست به اتهام قتل عمد صادر شد.»

نماینده دادستان با اشاره به درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم گفت: «پرونده در شعبه دهم طی دو جلسه رسیدگی و خواننده زیرزمینی به قصاص محکوم شد، اما رأی صادره از سوی قضات شعبه۳۹ دیوان نقض و به شعبه همعرض فرستاده شد.»

■ درخواست وکلای اولیای دم

در ادامه یکی از وکلای اولیای‌دم گفت: «با توجه به نظر کمیسیون ۱۱ نفره پزشکی قانونی علت مرگ خونریزی ناشی از ضربات به سر بوده که درخواست قصاص دارم.»

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر اتهامش را انکار کرد. او گفت: «باور کنید ضربه کشنده‌ای نزدم. من برای آشتی دادن به آنجا رفته بودم.»

در ادامه او به سئوالات ریاست دادگاه پاسخ داد.

قاضی: در اظهارات در دادسرا گفته بودی سه ضربه به مقتول زده بودی. چه دفاعی داری؟

متهم: مادرم میان من و حاج آقا حائل بود. من او را گرفته بودم تا به مادرم ضربه نزند. در آن شرایط فقط سه بار دستم به صورتش برخورد کرد. اصطلاح کف گرگی هم در آگاهی به من القا شد. اگر قصد ضربه زدن داشتم مادرم را هل می‌دادم و او را هم می‌زدم. بعد از دستگیری مرا به دادسرا بردند و بازپرس به من گفت بهتر است به قتل اعتراف کنم. آنجا بود که پزشک گفت مقتول بر اثر برخورد جسم سخت به سرش فوت شده است! باور کنید ضربه‌ای نزدم.

قاضی: اعتراف کرده‌ای گلدان را به سمت دیوار پرتاب کرده‌ای. پس درگیری شدید بوده است؟

متهم: اگر درگیری شدید بود گلدان را مستقیم به سمت حاج آقا پرتاب می‌کردم. ولی گلدان را به سمت دیوار پرتاب کردم و به مادرم گفتم لباس‌هایش را بپوشد تا خانه را ترک کنیم.

■ آخرین دفاع

متهم در آخرین دفاعش گفت: «شب قبل از محاکمه در زندان خلوت کردم و در دو صفحه دفاعیاتم را نوشتم. در این چند سال نه عصبانی شدم و نه خشم گرفتم. اما آن روز فقط وقتی به حاج آقا اعتراض کردم که چرا مادرم را می‌زنی او گفت اگر لازم باشد باز هم او را کتک می‌زند. خب انتظار شنیدن این حرف را نداشتم. همین باعث شد عصبانی شوم.

او در ادامه گفت: «هر حکمی برایم صادر شوم مطیع آن هستم. فقط تقاضا دارم همراه با عدالت باشد. باور کنید قصد قتل نداشتم و هنوز هم از مرگ او ناراحت هستم او جای پدر من بود.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

یادداشت

سردار حمید هداوند*

اعتمادسازی اجتماعی راهبرد مهم نیروی انتظامی

همواره گفته و شنیده‌ایم که امنیت یکی از دو نعمت مغفول مانده انسان است که تا زمانی که دچار ناامنی و پریشانی در نظم عمومی و اجتماعی نشود، اهمیت این موهبت را درک نمی‌کند، گویا لازم است هر از چندگاهی به جامعه عادت کرده به امنیت و آرامش دائمی گوشزد کرد که این امنیت نتیجه خدمت شبانه‌روزی، فداکاری و از جان گذشتگی چه کسانی است که اگر نباشند، آینه امنیت عمومی ترک برداشته و با کوچکترین تلنگر فرو می‌پاشد.

پلیس جمهوری اسلامی ایران در قامت حافظان نظم و امنیت عمومی و آرامش اجتماعی و مقابله و مبارزه بی‌امان و خستگی ناپذیر همواره به دنبال شناسایی آسیب‌ها و جرائم موجود در جامعه است تا با اقدامات پیش‌دستانه، ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائمی که امنیت و احساس امنیت را در جامعه نشانه گرفته‌است، در نطفه خفه کند و از راهکارهای نظامند و هوشمندانه‌ای بهره می‌گیرد، باید دانست امنیت امری جاری در جامعه است و نه موضوعی مقطعی و گذرا، در میان تنوع مأموریت‌های پلیس از مرز تا مرکز و تقدیم روزانه شهید در راه حفظ و ارتقای نظم و امنیت عمومی و آرامش اجتماعی، گاهاً مجرمانی فضایی برای عرض اندام پیدا می‌کنند و محیط جامعه را تا مدتی درگیر فعالیت‌های ناهنجار خود می‌کنند، اما این به معنای نبود امنیت یا کم‌کاری پلیس در انجام وظایف خود نیست بلکه می‌طلبد تا دیگر دستگاه‌ها و نهادهای مسئول و مردم نیز در برقراری امنیت و یاری به نیروی انتظامی مشارکت فعال داشته باشند. امنیت پدیده‌ای خلق‌الساعه نیست و خود به خودی به وجود نمی‌آید.

«اعتمادسازی اجتماعی» یکی از مهم‌ترین راهبردهای نیروی انتظامی در مواجهه با مردم و خدمتگزاری بهتر، تعامل و همکاری بیشتر با آنان محسوب می‌شود؛ چراکه پلیس، سازمانی جامعه محور است و اعتماد مردم را بزرگترین سرمایه اجتماعی خود می‌داند، خوشبختانه در سال‌های اخیر و با آگاهی بیشتر مردم نسبت به مأموریت‌های پلیس، این مهم تا حد زیادی محقق شده است.

پلیس حافظ هر دو جنبه از امنیت یعنی امنیت نرم و امنیت سخت است، افزایش آگاهی اجتماعی، جلب اعتماد اجتماعی، مشارکت خلاق و فعال مردمی در پیشبرد اهداف سازمانی، افزایش سطح متقاعدسازی و همراه کردن مردم با پلیس، همه و همه از ابعاد امنیت نرم است که نیروی انتظامی نیز با اشراف کامل و تجزیه و تحلیل جامعه گرایانه، این مهم را پیگیری می‌کند.

کوتاه سخن آنکه، پلیس با ریشه یابی و رویکرد فراهم کردن بستر جامعه‌ای امن از هر لحاظ، به گسترش فعالیت‌های خود می‌پردازد و سعی دارد تا هیچ نقطه تاریکی پیش روی خود نداشته باشد و به روشنی مأموریت‌های خود را دنبال کرده، به نتیجه برساند که ماحصل تمام این تلاش‌ها، چیزی جز برقراری، حفظ و ارتقا نظم و امنیت عمومی و آرامش روانی و اجتماعی شهروندان و رضایت آنان نیست، نشان دادن این تلاش‌های شبانه‌روزی و مستندسازی از این فعالیت‌ها، همتی بلند می‌طلبد؛ چراکه مأموریت‌های پلیس روز و شب، شهر و روستا، دور و نزدیک ندارد، چه بسیار مأموران پلیسی که در دل شب، در میان خوف و خطر، در مواجهه با اشرار مسلح و بد دل، به یاری مردم شتافته‌اند، اما کسی از آنها اطلاعی ندارد تا خبر شهادتشان به گوش برسد، شاید بتوان به پلیس هم، لقب «گمنامی» داد.

*** جانشین فرماندهی انتظامی تهران بزرگ**

مرگ ۲ کارگر در ریزش آوار

ریزش آوار ساختمانی در شهرستان ساوه مرگ دو کارگر را رقم زد.

بهرام صیدی، سرپرست فوریت‌های پزشکی ساوه توضیح داد: شامگاه جمعه امدادگران از ریزش آوار در روستای بادامچالوق با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که دو کارگر زیر آوار ساختمان گرفتار شده‌اند که آتش‌نشانان شروع به آواربرداری کرده و دو کارگر را از زیر آوار خارج کردند. بررسی امدادگران اورژانس نشان داد که دو کارگر به علت شدت جراحت جانشان را از دست داده‌اند که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره جریان دارد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شماره پرونده:۰۳/۱۴۰۰/۶۲۴۸ برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۰۰۰۴۰۰۳۴۹۰-۱۴۰۰/۰۴/۱۴ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک بابل تصرفات مالکانه و بلامعارض خانم الزا محمدزاده افسر فرزند علی به شماره شناسنامه ۲۴۵ شماره ملی ۸-۲۷۸۶۱۵-۲۰۶ صادره از بابل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۴۱/۵۰ مترمربع پلاک ۱۸/۱۰۳۲ اصلی واقع در گونه کلا بخش ۸ ثبت بابل خریداری از سورج خالقی بابائی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول۱۴۰۰/۰۶/۱۳ نوبت دوم ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

م/الف سید مهدی حسینی کریمی-سرپرست ثبت اسناد و املاک بابل
شناسه آگهی ۱۱۷۹۸۶۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شماره پرونده:۰۳/۱۴۰۰/۶۲۴۴ برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۰۰۰۴۰۰۳۹۴۷-۱۴۰۰/۰۴/۲۸ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک بابل تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای سورج خالقی بابائی فرزند مطلب به شماره شناسنامه ۱۴۴۸ و شماره ملی ۶-۱۴۰۰۳۹-۲۰۶ صادره از بابل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۵۰/۷۰ مترمربع پلاک ۱۸/۱۰۳۳ اصلی واقع در گونه کلا بخش ۸ ثبت بابل خریداری از علی خالقی بابائی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول۱۴۰۰/۰۶/۱۳ نوبت دوم ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

م/الف سید مهدی حسینی کریمی-سرپرست ثبت اسناد و املاک بابل
شناسه آگهی ۱۱۷۹۹۰۶

آگهی مناقصه عمومی مرحله سوم - نوبت دوم

شهرداری بندر ماهشهر به استناد موافقت نامه های شماره ۱۵۹۱/ش مورخ ۹۷/۸/۲۱، ۴۷۵/ش مورخ ۹۴/۴/۳۱، ۲۳۰/ش مورخ ۹۴/۴/۳۱، ۹۴۸/ش مورخ ۹۳/۷/۲۸، ۱۰۱۶۵/ش مورخ ۹۲/۹/۱۲ شورای اسلامی شهر در نظر دارد تامین ۸۴ نفر نیروی انسانی واحد موتوری تاسیسات را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد الشرایط واگذار نماید.

۱-اسناد مناقصه از مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۸ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۱ در مقابل پرداخت مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب سیبا ۰۱۰۵۲۹۳۴۸۲۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه شهرداری تسلیم و پاکت ها در مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۲ به واحد امور قراردادها تحویل می گردد. بازگشایی پاکت ها مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۹ می باشد.

۲-مبلغ برآورد اولیه جهت یک سال ۱۱۷,۱۹۰,۱۸۷,۰۲۸ ریال می باشد که پیشنهاد دهنده باید ۵درصد قیمت پایه معادل ۵,۸۵۹,۵۰۹,۳۵۲ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود را ارائه نماید.

۳-شهرداری در رد یا قبول یک کلیه پیشنهادها مختار است.

۴-هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

۵-شرکت کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده رقمی (TIN) باشند.

۶-گواهی معتبر تایید صلاحیت اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.

۷-گواهی معتبر تایید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.

۸-متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۰۶۱۵۲۳۳۹۱۱۴ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir مراجعه نمایند.

امور قراردادهای شهرداری ماهشهر

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۵۸

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی
برگ کمپانی خودرو پراید تیپ صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۷۹ رنگ سفید شیری روغنی شماره پلاک (ایران ۲۱ ۷۲۹ م ۳۲) به شماره موتور ۰۰۱۹۳۱۸۸ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۹۶۶۶۳۹۳ متعلق به زهرا رضاخواه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

مفقودی
برگ کمپانی خودرو کامیون کفی بغلدار مسقف بادسان تیپ س ۶۱۴ مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۷۸ ۹۵۴ ع ۹۹) به شماره موتور HC۵۱۳۷۹۴PA۲۰ شماره شاسی NAD۰۶۲A۴۴۸E۱۰۸۶۳۴ متعلق به اعظم مروتی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

مفقودی
برگ سبز سواری هاچ بک تیپ mt کوئیک سیستم سایپا مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید مشکی
پلاک ۳۰-۱۱۲م۲۳ موتور ۱۵۹۱۲۵۳۱۶
به نام: آرش محمد زاده فرزندسعید، بشماره ملی ۰۳۲۳۸۲۰۲۱۲، مفقود و از درجه اعتبار ساقط است تهران

مفقودی
برگ سبز و پلاک خودرو پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹ رنگ نقره ای متالیک شماره پلاک (ایران ۶۸ ۵۱۶ د ۳۹) به شماره موتور ۳۴۴۷۲۶۷ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۴۷۷۱۹۶ متعلق به مرتضی جوادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

مفقودی
سند کمپانی (سند مادر) خودروی سواری هاچ بک مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور MVM۴۸۴FTAH۰۲۲۲۹۳ و به شماره شاسی NATGBATL۵H۱۰۱۸۹۹۵ و به شماره انتظامی ۳۵ ایران ۸۷۸ ب ۴۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.تبریز

مفقودی
برگ سبز سواری برلیانس H۳۳۰AT پارس خودرو مدل ۱۳۹۶ سفید روغنی شماره پلاک ۶۳-۱۴۹ ه ۸۶ ش موتور L*G۰۲۰۳۱۹BM۱۵ ش شاسی NAPH۳۳۰ABH۱۰۲۴۵۵۴ به نام اشرف توکلیان به شماره ملی ۲۳۸۰۲۵۲۷۷۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.شیراز